

انواع روش‌های آموزشی نوین و کاربرد آن‌ها در آموزش قرآن با چه روش‌هایی قرآن کریم را آموزش دهیم



روش الگویی

یکی از راه‌های متداول یادگیری به‌ویژه در مورد کودکان، روش تقلیدی یا سرمشق‌گیری است. انسان از آغاز خلقت، از طریق سرمشق‌گیری و آموختن راه و روش زندگی اجتماعی، از سایر انسان‌ها و حتی از حیوانات چیزهای زیادی آموخته است. در این شیوه یادگیری، با الگو و سرمشق در مقابل فرد قرار می‌گیرد، و یا فرد خود آن را انتخاب می‌کند و به تقلید از رفتار او می‌پردازد. این روش را هم در جهت آموزش مطالب تازه و هم در جهت اصلاح رفتارهای آموخته شده می‌توان به کار برد. در کاربرد این روش به دو نکته‌ی مهم باید توجه داشت: نخست این که بین سرمشق و سرمشق‌گیرنده باید نوعی سنخیت یا شباهت وجود داشته باشد؛ مانند سن، سال تحصیلی، علاقه، وضع ظاهری و تجربه. دیگر این که شخصی که سرمشق واقع می‌شود، باید از مهارت و اعتبار زیادی برخوردار باشد [سیف، ۱۳۷۸: ۴۴۸].

برای مثال در آموزش قرآن، چنان‌چه سرمشقی به دانش‌آموزان عرضه می‌شود، بهتر آن است که یکی از نوجوانان یا جوانان هم‌سن و سال آنان باشد. برای دختران سرمشقی از قاریان دختر و برای پسران نیز سرمشقی

از قاریان پسر انتخاب شود. نکته‌ی مهم این است که سرمشق از میان کسانی باشد که در مسابقات قرائت نیز، مقام‌هایی کسب کرده و از اعتبار کافی و قابل قبولی برخوردارند.

به‌کارگیری این روش حداقل دو امتیاز مهم دارد: اول، نمونه‌ی کاملی از رفتاری که قرار است آموخته شود، در اختیار یادگیرنده قرار می‌گیرد. و دوم، فراگیرنده نیازی به آزمایش و خطا ندارد؛ چرا که سرمشق کاملی در اختیار دارد.

معلمان همواره به عنوان یک الگوی قابل اعتماد و شاخص، مورد توجه شاگردان هستند. از این نظر، معلمان درس قرآن خود باید کاملاً با قواعد قرائتی به صورت نظری و عملی آشنایی داشته باشند. هم‌چنین، معلمان آگاه می‌توانند از دانش آموزان ممتاز کلاس که تلاوت قابل قبولی دارند، به عنوان الگو برای دانش آموزان کلاس استفاده کنند. استفاده از نوارهای صوتی و تصویری استادان قرآن در کلاس، به خصوص نوجوانان و جوانانی که در مسابقات کشوری و بین‌المللی مقام‌هایی کسب کرده‌اند، می‌تواند الگوی خوبی به قرآن‌آموزان معرفی کند.

فراهم کردن فرصت و امکان تمرین و تکرار سرمشق‌ها در کلاس ضروری است؛ به گونه‌ای که معلم اطمینان پیدا کند، قرآن‌آموزان به طور کامل تقلید از سرمشق را فرا گرفته‌اند و می‌توانند نکات قرائتی را درست اجرا کنند. از این روش به صورت مستقل، فقط در سنین پیش‌دستانی می‌توان استفاده کرد، که آن هم با داستان‌گویی و بازی و استفاده از رسانه‌های آموزشی همراه است. در سایر دوره‌های سنی نیز بهتر است از این روش به صورت مکمل برای تنوع بخشیدن به کلاس و تثبیت و تعمیق یادگیری استفاده شود. البته این روش جزو روش‌های سنتی و تاریخی هم هست. از همان ابتدای بعثت، قرآن به صورت الگویی (الگوی حسنه) تعلیم داده می‌شد و امروزه به عنوان روش نوین مطرح است.

روش داستان‌گویی

یکی از روش‌های یاددهی و یادگیری که به صورتی اعجاز‌انگیز در ذهن و روح انسان نفوذ می‌کند و او را تحت تأثیر قرار می‌دهد، داستان‌سرایی است که از دیرباز به عنوان ابزاری مؤثر برای آموزش غیرمستقیم مفاهیم گوناگون، مورد توجه و استفاده‌ی مریبان و معلمان بوده است [یوسف/ ۱۱۱]. در قرآن نیز این روش بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. پروردگار متعال که خود تمایل به شنیدن داستان را در فطرت انسان قرار داده است، تأثیر داستان را در دل‌ها می‌داند و آن را به عنوان وسیله‌ای برای تربیت انسان‌ها در اکثر سوره‌های قرآن به کار گرفته است. در مورد کیفیت و نقش داستان‌سرایی در قرآن می‌توان گفت:

۱. نقل داستان در قرآن برای عبرت، پند و آموزش است.
۲. تمام داستان‌های قرآن واقعی است و هیچ‌گونه دروغ و افتزایی در آن راه ندارد. اصولاً کلمه‌ی «فصص» بر وزن «عسس» که در قرآن کریم پنج بار به کار رفته است، به معنی رمان یا حوادث خیالی نیست، بلکه به معنی سرگذشت و ماجرای واقعی است.
۳. قرآن در داستان‌ها حقایق امور را بیان می‌کند و به تجزیه و تحلیل روشنگری آن‌ها می‌پردازد.
۴. داستان‌های قرآن برای کسانی که به خداوند ایمان دارند، موجب هدایت و رحمت است.

از این روش در تدریس قرآن بیشتر برای سنین پایین می‌توان استفاده کرد و در بعضی از مهدهای قرآن از این روش استفاده می‌شود.

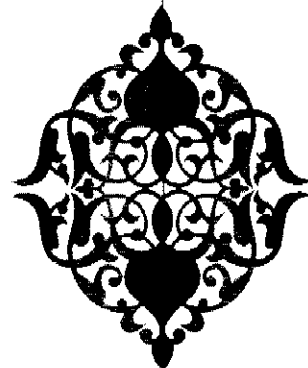
روش نمایشی

«و اذ قال ابراهیم رب ارنی کیف تحى الموتى قال اولم تومن قال بلى و لكن لیطمئن قلبی قال فخذ اربعة من الطیر فصهرن الیک ثم اجعل علی کل جبل منهن جزءاً ثم ادعهن یأتینک سعياً و اعلم ان الله عزیز حکیم» [بقره/ ۲۶۰]: [باد کن] آن‌گاه که ابراهیم گفت: «پروردگارا! به من نشان ده که چگونه



مردگان را زنده می کنی؟» فرمود: «مگر ایمان نیاورده ای؟» گفت: «چرا، ولی تا دلم آرامش یابد.» فرمود: «پس چهار پرنده بگیر و آن ها را پیش خود ریز ریز گردان. سپس بر هر کوهی پاره ای از آن ها را قرار ده. آن گاه آن ها را فراخوان؛ شتابان به سوی تو می آیند و بدان خداوند توانا و حکیم است.» به نمایش در آوردن اشیا و پدیده های مرتبط با موضوع آموزش، یکی از روش های آموزشی است که همواره مورد توجه معلمان و مربیان بوده است. در این روش، دانش آموزان مهارت ها، مفاهیم یا موضوع های خاصی را با روش نمایش یا رسانه های آموزشی دیداری و یا کاربردی فرامی گیرند و گاهی نیز، ضمن مشاهده از طریق دستکاری رسانه های کاربردی، به تجربه و آزمایش می پردازند و از این راه، مفاهیم و هدف های آموزشی را بهتر و دقیق تر می آموزند [سرابی، ۱۵۷].

در آیات فوق، خداوند با به نمایش گذاشتن زنده شدن پرندگان که توسط حضرت ابراهیم (ع) کشته شده و اجزای آن ها با هم مخلوط شده بود، سؤال وی را در مورد چگونگی زنده شدن مردگان پاسخ می گوید، تا درک و دریافت او را در این زمینه کامل کند و به جان و روان او آرامش بخشد. در روش نمایشی به طور معمول باید از مهارت های توضیح و سخن رانی نیز استفاده کرد؛ چرا که معلم ابتدا باید هدف های آموزشی را به دانش آموزان عرضه کند و سپس با نشان دادن ابزارها و رسانه های دیداری مرتبط با آن هدف ها، درباره ی هر کدام و نوع ارتباط با موضوع درس، در حد لزوم برای دانش آموزان توضیح دهد. با این روش، هم می توان از طریق به کار گرفتن وسایل و پدیده های طبیعی و حقیقی، کسب تجربه های مستقیم را فراهم کرد، و هم می شود موضوع ها و مفاهیمی را که به صورت



معلم ابتدا باید هدف های آموزشی را به دانش آموزان عرضه کند و سپس با نشان دادن ابزارها و رسانه های دیداری مرتبط با آن هدف ها، درباره ی هر کدام و نوع ارتباط با موضوع درس، در حد لزوم برای دانش آموزان توضیح دهد

مستقیم در دست رس یا قابل مشاهده و درک حسی نیستند، از طریق واسطه ها (رسانه های آموزشی دیداری و کاربردی) و کسب تجربه های غیرمستقیم به فراگیرندگان آموخت.

روش اکتشافی انی و مطالعات فریبگی

مجموعه پیشرفت هایی که از آغاز تاکنون نصیب انسان شده، در نتیجه ی جست و جویی و تلاش برای درک راز و رمز خلقت و کشف حقایق عالم وجود بوده که خداوند متعال در فطرت انسان به ودیعت گذاشته است. آن چه که انسان خود در اثر تجربه و تلاش و تحقیق کسب می کند، بهتر و عمیق تر در روح و ذهنش جای می گیرد. این روش مناسب نوآموزان مستعد و تواناست.

در آیه ی ۲۶۰ سوره ی بقره بنا به برخی روایات، حضرت ابراهیم (ع) قبل از دوران نبوت، و احتمالاً در آغاز بلوغ در معرض آزمایش و تحقیق قرار می گیرد، تا خود به کشف حقیقت یکتایی پروردگار نایل آید و در این زمینه به یقین کامل برسد. وی چند پیش فرض را در نظر می گیرد:

الف) ستاره خداست.

ب) ماه خداست.

ج) خورشید خداست.

و چون این هر سه را مغلوب قوانین می بیند، به کشف حقیقت اصلی که یکتایی خداوند متعال است، نایل می آید. در روایتی که محمد بن مسلم از امام جعفر صادق (ع) نقل کرده، آمده است: «ابراهیم این سخن را به عنوان تحقیق گفت و هرگز سخن او کفر نبود و هر کسی از مردم به عنوان تفکر

و تحقیق این سخن را بگوید، همانند ابراهیم است [مکارم شیرازی، ج ۵: ۳۱۲].

در فرایند یادگیری اکتشافی نیز دانش آموز به طور مستقل، با راهنمایی یا بدون راهنمایی معلم از طریق جست و جو و تمرین و تلاش، اصل یا قانونی را کشف، یا مسئله‌ای را حل می‌کند. روش اکتشافی در آموزش به دو صورت به کار می‌رود:

الف) هدایت شده

ب) هدایت نشده

در صورت اول، یادگیرنده به اندازه‌ی کافی استقلال عمل دارد، اما معلم بر کار او نظارت می‌کند و هر جا به کمک نیاز داشته باشد، متناسب با استعداد، دانش و مهارت شاگرد، و درجه‌ی دشواری موضوع، او را یاری می‌دهد. در صورت دوم، معلم اصول و قواعد و راه‌حل‌ها را به شاگردان نمی‌گوید و فقط آن‌ها را با مسئله‌ی مورد نظر مواجه می‌کند تا آن‌ها از طریق تجربه و تکرار، مسئله را حل کنند [صفوی، ۱۲۰].

روش تسلط آموزی

یکی از فنون موفقیت‌آمیز در امر یادگیری، روش یادگیری «تسلط‌یاب»، «در حد تسلط» یا «تسلط‌آموزی» است. این شیوه‌ی یادگیری بر این نظر استوار است که تمام دانش‌آموزان عملاً می‌توانند، همه‌ی آن‌چه را که به آن‌ها آموزش داده می‌شود، به خوبی یاد بگیرند. ولی زمان لازم برای تسلط یافتن

معلم باید محتوای درس را به یک رشته واحد آموزشی یادگیری تقسیم کند، به گونه‌ای که هر واحد در برگزیده‌ی تعدادی هدف آموزشی باشد. تسلط یافتن فراگیرنده بر این رشته تکالیف، به تسلط‌یابی از بر کل هدف‌های آموزشی منجر خواهد بود.

روی مطالب برای افراد مختلف، متفاوت است.

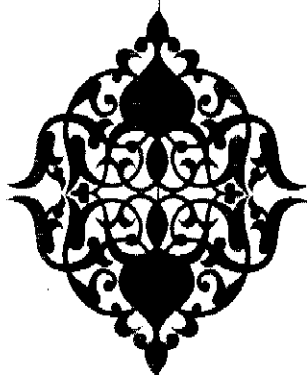
در این روش، معلم باید محتوای درس را به یک رشته واحد آموزشی یادگیری تقسیم کند؛ به گونه‌ای که هر واحد در برگزیده‌ی تعدادی هدف آموزشی باشد. تسلط یافتن فراگیرنده بر این رشته تکالیف، به تسلط‌یابی او بر کل هدف‌های آموزشی منجر خواهد بود. با این روش، معلم می‌تواند هم زمان لازم برای تسلط یافتن شاگردان را به دست آورد، و هم مشکلات مربوط به شرایط آموزشی و شیوه‌ی تدریس را حل کند.

برای تدریس قرآن با روش تسلط‌یاب می‌توان از این الگو پیروی کرد: با توجه به مراحل تدریس این روش، فرض می‌کنیم قرار است «روش‌های انس با قرآن» بر اساس راهبرد تسلط‌یاب تدریس شود. در مرحله‌ی اول، معلم باید هدف‌های آموزشی درس را به صورت هدف‌های رفتاری تعیین و تدوین کند. بدین منظور، باید درس مذکور به چند واحد (قسمت) تقسیم شود:

واحد اول: مهارت خواندن قرآن کریم

هدف‌های رفتاری: دانش‌آموزان پس از پایان این قسمت باید قادر باشند:

۱. توانایی ترکیب حروف و حرکات
۲. آشنایی با نمادهای خاص رسم الخط قرآن کریم
۳. توانایی خواندن کلمات و عبارات به صورت بخش، بخش (وجود کمی مکث میان هر بخش)
۴. توانایی خواندن کلمات کلمات و عبارات به صورت شمرده و آرام (بدون مکث میان بخش‌ها)
۵. کسب تدریجی مهارت روان‌خوانی قرآن کریم



واحد دوم: درک معنای عبارات و آیات ساده و پرکاربرد قرآن کریم
هدف‌های رفتاری: دانش‌آموزان پس از پایان این قسمت باید قادر باشند:

۱. آشنایی با معنای کلمات ساده و پرکاربرد قرآن کریم
۲. آشنایی با برخی از نکات و قواعد ساده ترجمه عبارات قرآنی
۳. توانایی معنا کردن ترکیب‌ها و عبارات کوتاه قرآنی
۴. توانایی معنا کردن عبارات و آیات ساده و پرکاربرد قرآن کریم

واحد سوم: تدبیر در آیات قرآن کریم

هدف‌های رفتاری: دانش‌آموزان پس از پایان این قسمت باید قادر باشند:

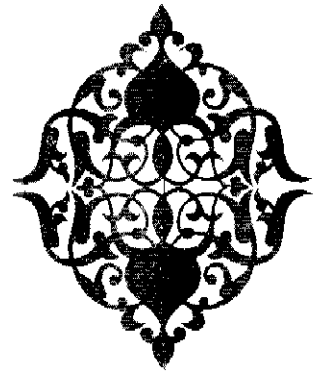
۱. آشنایی با ضرورت و اهمیت تدبیر در آیات
۲. آشنایی با روش‌های تدبیر در آیات قرآن کریم
۳. توانایی تدبیر در آیات و درک ارتباط آن‌ها با هم

واحد چهارم: انس با قرآن کریم

هدف‌های رفتاری: دانش‌آموزان پس از پایان این قسمت باید قادر باشند:

۱. علاقه به خواندن مستمر قرآن کریم
۲. انجام سنت حسنه خواندن روزانه قرآن کریم همراه با درک معنا و تدبیر در آیات

در پایان تدریس درس انس با قرآن کریم، معلم ضمن طرح سؤالات مربوط به ارزش‌یابی نهایی، از یک طرف حد تسلط هر کدام از دانش‌آموزان را در موضوع درس ارزش‌یابی می‌کند و تفاوت‌های فردی بین آنان و زمانی را که آن‌ها برای رسیدن به حد تسلط نهایی نیاز دارند، مشخص می‌کند، و از طرف دیگر، مشکلات مربوط به شرایط آموزشی و شیوه‌ی تدریس را مورد شناسایی قرار می‌دهد.



روش بحث گروهی

بحث گروهی روشی تعاملی است که در ارتباط با موضوع عرضه شده توسط مدرس، تبادل افکار را امکان‌پذیر می‌سازد. در بحث گروهی باید از رهنمون‌های معینی پیروی کرد تا هر فرد بتواند افکار خود را برای دیگران بازگو کند، افکار دیگران را بشنود و درباره آن به بحث بپردازد آن را تحلیل و بررسی نماید و هدف‌های آموزشی را دریافت کند.

معلم باید موضوع بحث را که فرض می‌کنیم "تدبیر و موارد آن در قرآن" است، برای دانش‌آموزان مطرح می‌سازد. به منظور روشن کردن موضوع و این که دانش‌آموزان اطلاعات لازم در این زمینه را به دست آورند، خوب است:

- کتاب یا مقاله‌ای برای آشنایی دانش‌آموزان با موضوع به آنان معرفی کند و از آن‌ها بخواهد، به منظور آمادگی در بحث آن را مطالعه کنند.
- چند نوار از استادان درباره تدبیر متفاوت به دانش‌آموزان معرفی کند تا با گوش کردن به آن‌ها، عملاً با موضوع بحث آشنا شوند. برای قرآن‌آموزان توضیح دهد، هدف آن است که راجع به تدبیر و موارد آن با یکدیگر بحث و تبادل نظر کنند.
- درباره‌ی «روان‌خوانی و مفاهیم» که پیش‌نیاز بحث تدبیر هستند، از دانش‌آموزان سؤالاتی بپرسد (ارزش‌یابی اولیه) و آن‌ها را برای بحث پیرامون موضوع آماده کند.
در این مرحله اقدامات زیر ضروری به نظر می‌رسند:
 ۱. طرح سؤالاتی درباره‌ی موضوع تدبیر؛
مانند:

- تدبیر چیست و چگونه انجام می‌شود؟

● انجام تدبیر در تلاوت قرآن چه تأثیری دارد؟

● در چه مواردی رعایت تدبیر ضرورت دارد؟

۲. ایجاد فرصت برای قرآن‌آموزان تا درباره‌ی سؤالات مطرح شده با هم به بحث و تبادل نظر بپردازند. معلم باید بر چگونگی بحث نظارت داشته باشد.

روش ایفای نقش

یکی دیگر از روش‌های فعال و بسیار مؤثر یاددهی و یادگیری، روش ایفای نقش است. در این روش، فرد در شرایطی خاص و در راستای اهداف آموزشی، نقشی را عهده‌دار می‌شود و ضمن اجرای نقش، مطالب مورد نظر را فرامی‌گیرد. به تعبیری دیگر، «ایفای نقش عبارت است از تعامل میان اعضای یک گروه یادگیری که درباره‌ی طرح و یا چاره‌جویی برای یک مسئله، موقعیت یا حادثه، به بازنگری می‌پردازند. به این معنی که ایفای نقش، رفتاری است واقع‌گرا در موقعیت‌های تخیلی و وسیله‌ای برای ایجاد باور داشت (درک عمیق) یک موضوع [همان، ص ۱۶۴].

در تدریس قواعد قرائت قرآن باید حروف و علائم قرآنی را به عنوان شخصیت‌های نمایشنامه که هر کدام ویژگی‌های مشخص و نشان‌دهنده‌ی یک سلسله قوانین قرائتی هستند، معرفی کرد و نقش هر کدام از حروف و علائم را نیز به دانش‌آموزان داوطلب داد. لازم به ذکر است، برای اجرای نقش‌ها نیازی به آشنایی با هنرهای نمایشی نیست. همین قدر که دانش‌آموزان بتوانند در نقش یکی از شخصیت‌ها ظاهر شوند و ویژگی‌های او را در گفتار و رفتار خود نشان دهند، کافی است. ضمن اجرای این شیوه، هم نقش‌آفرینان کاملاً قوانین و روابط قواعد قرائت را متوجه می‌شوند، چون خود را با آن ویژگی‌ها هماهنگ می‌کنند، و هم تماشاگران ضمن ارتباط عاطفی با ایفاگران نقش‌ها، خود را در صحنه احساس می‌کنند و یادگیری بهتر و مؤثرتر خواهد بود. چنانچه معلم بخواهد درسی را با روش ایفای نقش تدریس کند، لازم است مراحل زیر را مورد توجه قرار دهد:

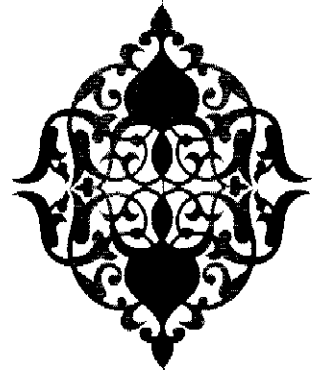
۱. تعیین موضوع و نوشتن آن به صورت نمایش نامه.
۲. فراهم کردن شرایط و وسایل لازم برای اجرای نمایش.
۳. تعیین نقش‌هایی که باید ایفا شوند.
۴. آماده کردن افراد برای اجرای نقش (تمرین و تکرار).
۵. توضیح مختصر پیرامون موضوع و هدف نمایش برای شاگردان.
۶. اجرای نمایش نامه.
۷. بحث درباره‌ی محتوا و چگونگی اجرای نقش‌ها و ارزش‌یابی نهایی.

روش برنامه‌ای (گام به گام)

«الرحمن (۱) علم القرآن (۲) خلق الانسن (۳) علمه البیان (۴) الشمس والقمر بحسبان (۵) والنجم والشجر يسجدان (۶) [الرحمن/ ۶-۱]: خداوند رحمان، قرآن را تعلیم فرمود. انسان را آفرید و به او بیان را تعلیم داد. خورشید و ماه بر طبق حساب معینی می‌گردند و گیاه و درخت برای او سجده می‌کنند.

روش آموزش برنامه‌ای، یک روش آموزش انفرادی است که معلم با به‌کارگیری آن، می‌کوشد یادگیری را با نیازها و توانایی‌های شاگردان هماهنگ سازد. در این روش مواد آموزشی به واحدهای کوچک تقسیم می‌شوند که هر کدام یک «چارچوب» یا «گام» نامیده می‌شود. در هر گام، قسمتی از مجموعه‌ی اهداف آموزشی مطرح می‌شود که باید فراگیرنده از طریق درک و فهم آن، ابتدا به هدف





رفتاری آن چارچوب دست یابد، و در نهایت پس از اتمام مجموعه‌ی قسمت‌ها و چارچوب‌ها، همه‌ی اهداف آموزشی را درک و دریافت کند.

در هر کدام از آیات فوق، خداوند متعال هدف‌های آموزشی متفاوت، اما هم‌جهت را مطرح فرموده است. نام مقدس «رحمان» که رمزی از رحمت و وسعتی اوست و بعد از نام «الله»، گسترده‌ترین مفهوم را در میان نام‌های پروردگار دارد، به عنوان اولین گام در تعلیم قرآن و نخستین و مهم‌ترین لطف و رحمت خدا نسبت به انسان، به عنوان گام بعدی مطرح شده است. آفرینش انسان، گل سرسبد هستی و مبارک‌ترین جلوه‌ی وجود، هدف آموزشی بعدی است. تعلیم بیان به انسان که با توجه به گستردگی مفهوم بیان، علاوه بر سخن گفتن، به نوشتن و خط و انواع استدلال‌های عقلی و منطقی نیز اشاره دارد، از دیگر اهداف آموزشی مطرح شده است.

تا این‌جا انسان و ویژگی‌های درونی او مورد توجه قرار گرفته‌اند، اما در آیات بعد، نعمت‌های بیرونی که در برابر چشم قرار دارند، به تصویر کشیده شده‌اند. در گام‌های بعدی خورشید، ماه، گیاه، درخت و نظم دقیقی که بر حرکت آن‌ها حاکم است، با توجه به اهمیت و نقشی که در تأمین نیازهای حیاتی انسان ایفا می‌کنند، مطرح شده‌اند [مکارم شیرازی، ج ۲۳: ۹۵].

چنانچه معلم بخواهد قرآن را با روش آموزش برنامه‌ای تدریس کند، با توجه به مراحل اجرای این روش آموزشی باید به ترتیب زیر عمل کند:

الف) انتخاب واحد درسی: برای مثال، معلم یا برنامه‌ریز درسی، قرآن را به عنوان واحد درسی مورد نظر انتخاب می‌کند.

ب) تهیه‌ی ریز مواد درسی: به این منظور معلم یا برنامه‌ریز درسی باید بر اساس کتاب‌های معتبر، ریز مواد درسی را که در یک دوره‌ی آموزشی قرار است تدریس شود، مشخص و تنظیم کند. ج) تعیین هدف‌های نهایی آموزشی در قالب هدف‌های رفتاری: در این بخش باید واحد درسی به اجزای کوچک‌تر که هر جزء قابل تدریس در یک جلسه‌ی درسی باشد، تقسیم شود و برای موضوع هر جلسه‌ی درس، هدف‌های آموزشی آن در قالب هدف‌های رفتاری تدوین گردد. برای مثال، چنانچه موضوع درس در یک جلسه تدریس، «آموزش مفاهیم» باشد، در پایان جلسه‌ی درس، قرآن‌آموزان باید قادر باشند:

۱. آموزش مفاهیم را تعریف کنند.
۲. کلمات را ترجمه کنند
۳. کلمات را در متن ترکیبات و عبارات ترجمه کنند.

د) مشخص کردن رفتارهای ورودی مورد نیاز: در این قسمت معلم باید سؤالاتی را برای ارزش‌یابی از درس قبلی که پیش‌نیاز این درس است، تهیه کند و قبل از شروع درس جدید، مطمئن شود که دانش‌آموزان درس قبلی را فهمیده‌اند.

روش کنایه (نمادین)

یکی از روش‌های آموزشی که در تدریس قرآن هم مطرح است، روش «نمادسازی» است که شباهت زیادی به روش داستان‌گویی دارد. البته در این روش، قواعد به عنوان نمادهایی کنایه‌ای مثل دوستی، ایثار و غیره معرفی می‌شوند تا در ذهن قرآن‌آموز باقی بمانند. در ساختن نمادها می‌توان از خود دانش‌آموزان نیز کمک گرفت که این امر موجب فعال شدن کلاس درس و بالا رفتن کیفیت آموزش خواهد شد.

ویژگی‌های روش کنایه عبارت‌اند از:

۱. معرفی بعضی از ارزش‌ها در ضمن معرفی نمادها.

۲. جلب توجه دانش آموزان به وسیله‌ی نمادها.

۳. ایجاد تنوع و جاذبه در کلاس.

۴. فعال کردن ذهن دانش آموزان در تطبیق نمادها با کلمات.

۵. فعال کردن ذهن دانش آموزان در ساختن نمادهای جدید و بالطبع فراگیری بهتر قواعد.

در این روش باید حتی الامکان از نمادهای مثبت استفاده کرد و از بیان مطالب و نمادهایی که اثر منفی در ذهن دانش آموزان می‌گذارند، اجتناب ورزید.

نمونه‌ی تدریس به روش کنایه بر اساس الگوی ایثار و از خودگذشتگی چنین است که به دانش آموزان گفته می‌شود: بچه‌ها این حرف را می‌شناسید: این حرف خیلی مهمی است و ویژگی‌های متفاوتی دارد. یکی از ویژگی‌های این حرف ایثارگری آن است. بچه‌ها اصلاً می‌دانید ایثار و ایثارگری یعنی چه؟ آیا بین شماها کسی معنی این لغت را می‌داند؟

آن‌گاه معلم با کمک دانش آموزان، معنی و مفهوم ایثار و ایثارگری را با آوردن مثال‌های خوب، واضح و روشن می‌سازد. سپس می‌گوید: خوب بچه‌ها، حالا که فهمیدید ایثارگری یعنی چه، برمی‌گردیم سراغ آقای «همزه وصل» که گفتیم یکی از ویژگی‌های او ایثارگری است. این حرف هرگاه قرار باشد دو کلمه به یکدیگر برسند خودش را از یاد می‌برد و برای تقویت برادرانش ایثار می‌کند و به ایشان می‌پیوندد و دیگر اصلاً تلفظ نمی‌شود. عجیب حرف بی‌تکبری است! هر حرف دیگری بود، راضی به این از خودگذشتگی نمی‌شد و می‌گفت: نخیر، من خودم بهتر از دیگران هستم. چرا من حذف شوم و آن‌ها قوی‌تر شوند و این خصوصیت را هر حرفی که ندارد. این ویژگی‌های یک حرف خوب است. البته -- همان‌طور که گفتیم، ویژگی‌های دیگری هم مثل تواضع، فروتنی و... دارد.

قاعده گویی (فرمول ساختن)

این روش از جمله سهل‌الوصول‌ترین روش‌ها برای آموزش مطالب تثوریک است. در روش قاعده‌گویی، مطالب و دروس در قالب فرمول‌ها بیان می‌شوند و به سبب اختصار این فرمول‌ها، بهتر می‌توان آن‌ها را حفظ کرد.

معلم در برخورد با موارد کاربردی، فوراً فرمول را با مورد تطبیق می‌دهد و قاعده را اجرا می‌کند. البته از آن‌جا که فهم مطالب با این روش به تحلیل ذهنی و تطبیق عملی نیاز دارد، این روش در مقاطع سنی بالاتر از دوره‌ی اول دبیرستان و مخصوصاً در مورد بزرگسالان با سواد، و اصولاً در کلاس‌های افرادی با سطوح سنی بالا که علاقه‌ی وافری به فراگیری هر چه سریع‌تر دارند، کاربرد دارد. بنابراین، در کلاس‌هایی که جنبه‌ی ایجاد جاذبه دارند و یا مخاطبان کم‌سن و سال هستند، بهتر است از روش‌های دیگر، و یا حداقل از روش‌های دیگر در کنار روش قاعده‌گویی استفاده شود.

نمونه‌ای از تدریس به این روش چنین است: درس امروز بیان احکام «میم ساکن» است. میم ساکن در برخورد با ۲۸ حرف عربی دارای سه حکم متفاوت است که به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. ادغام: میم ساکن + میم متحرک = میم مشدد. مثال: انتم منه = انتمنه.

۲. اخفاء: میم ساکن + حرف باء = اخفاء میم. مثال: کنتم به.

۳. اظهار: میم ساکن + مابقی حروف. مثال: کنتم امواتاً.

تذکر: هنگام اظهار میم در کنار دو حرف «فاء» و «واو» باید تأکید بیشتر شود. لازم است معلم هنگام بیان هر قاعده، روش انجام ادغام، اخفاء و اظهار را کاملاً توضیح دهد و در مورد هر یک، مثال‌های گوناگونی را با کمک دانش آموزان بیاورد و تمرین کند.

